

## روش ارزیابی روایات تأویلی در فقه‌الحديث آیت‌الله محمدهادی معرفت

### چکیده

روایات تأویلی قرآن از مهم‌ترین گونه‌های روایات تفاسیری اند که پذیرش یا رد آن‌ها نقش بسزایی در فهم مراد الهی و جلوگیری از تفسیر به رأی دارد. یکی از پرسش‌های اساسی در حوزه فقه‌الحديث آن است که این روایات بر اساس چه معیارهایی قابل ارزیابی‌اند. آیت‌الله محمدهادی معرفت، هرچند روش مستقلی با عنوان «ارزیابی روایات تأویلی» ارائه نکرده است، اما در آثار قرآنی خود، به‌ویژه التمهید فی علوم القرآن و التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، مباحثی درباره ضوابط پذیرش تأویل و نسبت آن با ظاهر آیات، محکمت قرآن و مراد الهی مطرح کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد استنباطی، درصدد تبیین مبانی و ضوابط ارزیابی روایات تأویلی در اندیشه آیت‌الله معرفت و ارائه الگویی تحلیلی بر اساس این مبانی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در اندیشه ایشان، ارزیابی تأویل‌های منقول بر سه محور اساسی توجه به دلالت استعمالی، سنجش تأویل در پرتو محکمت قرآن و دستیابی به مراد جدی کلام استوار است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از این مبانی و تحلیل مراحل اعتبار سنجی، الگویی هفت‌مرحله‌ای (شامل: احراز اعتبار متن، استخراج ظهور، تحلیل سیاق، تشخیص نوع تأویل، بازسازی معنای تأویلی، کنترل با محکمت و ارزیابی روش) را بازسازی و ارائه می‌کند. این الگو، نه به‌عنوان نظریه صریح آیت‌الله معرفت، بلکه به‌عنوان بازسازی روش شناختی پژوهشگر بر پایه مبانی ایشان عرضه شده است. بر این اساس، می‌توان گفت اندیشه آیت‌الله معرفت ظرفیت ارائه چارچوبی منسجم برای ارزیابی روایات تأویلی را دارد؛ چارچوبی که ضمن پذیرش امکان تأویل ضابطه‌مند، از برداشت‌های فاقد معیار و تفسیر به رأی جلوگیری می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** آیت‌الله محمدهادی معرفت، روایات تأویلی، فقه‌الحديث، تأویل قرآن، بازسازی روش شناختی، الگوی هفت‌مرحله‌ای

## مقدمه

روایات تأویلی قرآن بخش مهمی از میراث روایی تفسیر را تشکیل می‌دهند و در تبیین بطون آیات، بیان مصادیق فراتاریخی و کشف مراد جدی شارع نقش مهمی ایفا می‌کنند. در عین حال، این دسته از نصوص همواره از مناقشه‌برانگیزترین گونه‌های روایات تفسیری بوده‌اند؛ زیرا بخشی از آن‌ها از ظاهر اولیه آیات فراتر رفته و لایه‌های طولی معنا را بیان می‌کنند و بخشی دیگر، به سبب ضعف سند، ابهام دلالت یا ناسازگاری ظاهری با محکّمات، نیازمند ارزیابی دقیق حدیثی و تفسیری هستند. از این‌رو، تبیین معیارهای اعتبارسنجی و ارزیابی روایات تأویلی، یکی از مسائل بنیادین در فقه‌الحديث روایات تفسیری به شمار می‌رود.

در میان قرآن‌پژوهان معاصر، آیت‌الله محمدهادی معرفت جایگاهی ممتاز در تبیین ضوابط فهم متن دینی دارد. وی در آثاری همچون التمهید فی علوم القرآن، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، صیانه القرآن من التحریف و التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ضمن نقد رویکردهای افراطی در ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی، بر ضرورت التزام به محکّمات قرآن، عقل برهانی، قرائن معتبر و انسجام درونی معارف دینی در فهم نصوص تأکید می‌کند.<sup>1</sup> هرچند ایشان اثری مستقل درباره روش ارزیابی روایات تأویلی قرآن تألیف نکرده است، اما منطق و مبانی پراکنده در آثار وی، ظرفیت بالایی برای بازسازی یک الگوی فرآیندی و منسجم در ارزیابی این دسته از روایات دارد.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که روش ارزیابی روایات تأویلی قرآن در اندیشه آیت‌الله محمدهادی معرفت بر چه مبانی و معیارهایی استوار است و چگونه می‌توان این مبانی را در قالب یک الگوی فرآیندی و عملیاتی نظام‌مند ساخت؟

فرضیه پژوهش آن است که آیت‌الله معرفت، اگرچه نظریه‌ای مستقل با عنوان روش ارزیابی روایات تأویلی عرضه نکرده است، اما از مجموعه آثار وی می‌توان یک الگوی فرآیندی و هفت‌مرحله‌ای بازسازی کرد؛ الگویی که از تثبیت متن و استخراج ظهور بدوی آغاز شده و از طریق کانال‌سازی معنایی تفکیک تأویل بطنی از رفع تشابه، عرضه بر محکّمات و عقل برهانی، به اعتبارسنجی روشمند فهم حدیث و مرزبندی آن با تفسیر به رأی منتهی می‌شود.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد استنباطی، درصدد استخراج، بازسازی و نظام‌مند کردن روش ارزیابی روایات تأویلی قرآن از آثار آیت‌الله معرفت است تا در کنار تبیین مبانی ایشان، با ارائه یک مدل هفت‌مرحله‌ای، کارآمدی این روش را در مطالعات فقه‌الحديثی نصوص تفسیری آشکار سازد<sup>۱</sup>.

## پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با تأویل و روایات تفسیری در دهه‌های اخیر عمدتاً در دو حوزه متمرکز بوده‌اند: نخست، تبیین مبانی نظری تأویل و جایگاه آن در فهم متون دینی؛ و دوم، بررسی معیارهای اعتبارسنجی و نقد روایات تفسیری. در میان پژوهش‌های انجام‌شده، بخشی از آثار به روش نقد روایات تفسیری در اندیشه آیت‌الله محمدهادی معرفت اختصاص یافته و بخشی دیگر به مسئله بطون قرآن، جری و انطباق، یا کارکرد تأویل در تفسیر قرآن پرداخته‌اند.

در حوزه اعتبارسنجی روایات تفسیری، حکیم‌زاده و معارف (۱۳۹۳) با بررسی روش آیت‌الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع، معیارهایی همچون نقد سندی، عرضه بر قرآن، سنت قطعی، عقل و شواهد تاریخی را استخراج کرده‌اند. همچنین حسینی (۱۳۹۵) در پژوهشی درباره روش‌شناسی نقد روایات تفسیری از دیدگاه آیت‌الله معرفت، بر نقش نقد محتوایی و جایگاه قرائن در ارزیابی روایات تأکید کرده است. علوی‌مهر، یوسفی تازه‌کندی و سازجینی (۱۳۹۶) نیز با مطالعه روایات تحریف‌نما، شیوه نقد محتوایی و عرضه بر محک‌ها را در منظومه فکری آیت‌الله معرفت تبیین کرده‌اند.

در حوزه روایات بطون قرآن و تأویل، تجری و درویشی (۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷) معیارهای اعتبارسنجی روایات بطون قرآن را بر پایه دیدگاه آیت‌الله معرفت بررسی کرده و هماهنگی این روایات با ظاهر قرآن، محک‌ها و عقل را از مهم‌ترین ملاک‌های پذیرش آن‌ها دانسته‌اند. همچنین معرفت و نصیری (۱۳۹۵) و برهانی و معرفت (۱۳۹۵) با مطالعات موردی در برخی آیات قرآن، کارآمدی نظریه بطن و جری را در تفسیر روایی نشان داده‌اند. کمانی (۱۳۹۸) نیز به تحلیل مفهومی روایات تأویلی و نسبت میان بطن، جری و تأویل در اندیشه علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت پرداخته است.

با وجود اهمیت این پژوهش‌ها، بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که مطالعات پیشین عمدتاً بر یکی از ابعاد مسئله، مانند اعتبارسنجی عمومی روایات تفسیری، تحلیل مفهومی بطن، یا مباحث سندی متمرکز بوده‌اند و

۱. (ر.ک: التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۵۱-۱۵۰) ایشلن در نقد تأویل‌گرایی بی‌ضابطه و تفسیر به رأی، شرط اساسی پذیرش معنا را عرضه بر اکثریت قاطع آیات محکم و خضوع در برابر حکم قطعی عقل می‌داند. همان، ص ۱۳ و ۵۱-۵۲

تاکنون پژوهشی که روش ارزیابی روایات تأویلی قرآن را در قالب یک فرآیند فرآیندی و نظام‌مند در حوزه فقه‌الحديث بازسازی و صورت‌بندی کند، انجام نشده است.

برای تبیین دقیق این خلأ و مرزبندی نوآوری تحقیق حاضر، توجه به این نکته روش‌شناختی ضروری است که آیت‌الله معرفت در کتاب التاویل فی مختلف المذاهب والآراء، منطق تأویل را بر سه محور بنیادین تثبیت ظهور ابتدایی نص، ارزیابی ظهور در پرتو قرائن و محکّمات، و دستیابی به مراد نهایی در چارچوب ضوابط استوار می‌سازد. با این حال، ایشان این مبانی را در قالب یک الگوی اجرایی، کاربردی و گام‌به‌گام برای تحلیل روایات صورت‌بندی نکرده است.

بر این اساس، نوآوری و متمایزکننده اصلی پژوهش حاضر در آن است که با تحلیل اجتهادی آرای آیت‌الله معرفت در آثار مختلف، منطق سه‌گانه و کلان ایشان را به یک الگوی فرآیندی و هفت‌مرحله‌ای فقه‌الحديثی ارتقا، تفصیل و بازسازی کرده است. در این فرآیند، لایه‌های اول تا سوم مدل بر تثبیت مأخذ نظری مفسر تمرکز دارد و مراحل چهارم تا هفتم شامل تشخیص نوع تأویل و تعیین کانال معنایی، بازسازی معنای تأویلی، کنترل محتوایی فرآیند فهم و اعتبارسنجی نهایی روش، حاصل استنباط، بازسازی روشمند و صورت‌بندی تحلیلی نگارنده از قواعد پراکنده در منظومه فکری ایشان است. بدین ترتیب، این پژوهش با تبدیل مبانی نظری به یک مدل کاربردی، خلأ ساختاری موجود در مطالعات پیشین را جبران کرده و چارچوبی منسجم برای روش ارزیابی روایات تأویلی قرآن ارائه می‌دهد.

## **الف. مفاهیم کلیدی و مرزبندی اصطلاحات با تأکید بر تأویل**

### **الف. مفاهیم کلیدی و مرزبندی اصطلاحات با تأکید بر تأویل**

تبیین دقیق روش ارزیابی روایات تأویلی، پیش و بیش از هر چیز نیازمند مفهوم‌شناسی، لایه‌گشایی از اصطلاحات کلیدی و ترسیم مرزهای مفهومی آن‌ها در دایره معارف حدیثی و تفسیری است. مفهوم تأویل و ضوابط آن، نه تنها در اندیشه علمای معاصر، بلکه در طول تاریخ تفسیر میان مفسران فریقین همواره مورد بحث و تطبیق بوده<sup>۱</sup> و در کتاب‌شناسی‌های جامع تفسیری نیز تحلیل شده است<sup>۲</sup>. به‌گونه‌ای که مطالعات تطبیقی معاصر نیز تمایز بنیادین مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مفسران را در مواجهه با تأویل به اثبات رسانده‌اند<sup>۳</sup>.

۱. طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، صص ۳۲-۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، صص ۱۵-۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، صص ۱۹-۲۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، صص ۲۸-۳۰؛ ابن‌عاشور، ۱۳۸۴ش، ج ۱، صص ۴۵-۵۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، صص ۲۳-۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، صص ۲۱۰-۲۲۵.

۲. یازی، ۱۳۷۸ش، صص ۴۵-۵۲.

۳. فاکرمیبدی و علوی، ۱۳۹۷، صص ۳۵-۳۸.

از سوی دیگر، برای استخراج ظهور روایات و تشکیل خانواده حدیث، رجوع مستقیم به جوامع روایی اولیه و تحلیل مبانی فهم حدیث محدثان بزرگ امامیه ضروری است.<sup>۱</sup> همچنین برای فهم دقیق مدلول استعمالی و تمایز آن از مراد جدی، و شناخت قواعد جمع عرفی و تخصیص، تکیه بر مبانی علم اصول فقه حائز اهمیت است؛ قواعدی که در منابع بنیادین اصولی به دقت صورت‌بندی شده‌اند.<sup>۲</sup>

از این‌رو، در این بخش به واکاوی تعاریف، کارکردها و تمایزات اصطلاح تأویل با مفاهیم هم‌نواخت در منظومه فکری آیت‌الله معرفت و تراث دینی پرداخته می‌شود.

## ۱. تعریف و کارکرد تأویل نزد آیت‌الله معرفت

بررسی آثار آیت‌الله معرفت نشان می‌دهد که تأویل در منظومه فکری وی دارای دو کاربرد اصطلاحی متمایز است. کاربرد نخست، ناظر به نصوص متشابه است؛ بدین معنا که هرگاه ظاهر آیه یا روایت با محکّمات قرآن، عقل برهانی یا اصول قطعی دین ناسازگار باشد، تأویل به معنای بازگرداندن ظاهر به معنای صحیح و منطبق با مراد واقعی شارع به کار می‌رود. در این معنا، تأویل ابزار رفع تشابه و کشف مقصود جدی متکلم است و تنها در مواردی جریان می‌یابد که قرینه‌ای قطعی بر عدول از ظاهر وجود داشته باشد.<sup>۳</sup>

کاربرد دوم تأویل در اندیشه آیت‌الله معرفت، در چارچوب نظریه ظهر و بطن و جریان معنا مطرح می‌شود. بر اساس این دیدگاه، آیات قرآن افزون بر دلالت ظاهری، از لایه‌های طولی معنا نیز برخوردارند که در امتداد معنای ظاهری قرار گرفته و با آن تعارضی ندارند. از این‌رو، تأویل در این کاربرد به معنای کشف بطن قرآن و تطبیق مفاهیم کلی و فراتاریخی آن بر مصادیق مشابه در طول زمان است، نه نفی یا کنار گذاشتن ظهور اولیه آیات. آیت‌الله معرفت با استناد به روایات ظهر و بطن و جری و تطبیق، این ظرفیت مستمر معنا را از ویژگی‌های ذاتی قرآن می‌داند.<sup>۴</sup>

بر این اساس، تأویل در اندیشه آیت‌الله معرفت نه مترادف تفسیر به رأی و نه عدول سلیقه‌ای از ظاهر الفاظ است، بلکه روشی ضابطه‌مند برای کشف مراد شارع در پرتو محکّمات قرآن، عقل برهانی و قرائن معتبر به شمار می‌آید. از این‌رو، باید میان تأویل ناظر به رفع تشابه و تأویل ناظر به کشف بطن و امتدادهای معنایی قرآن تفکیک کرد؛ زیرا هر یک قلمرو، کارکرد و ضوابط خاص خود را دارند.<sup>۵</sup>

۱. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۸-۱۰؛ صدوق، ۱۳۹۳ق، صص ۱-۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۱۵-۲۰؛ حسن‌بیگی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۲۷.

۲. مظفر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۱؛ صدر، ۱۳۹۰ق، ص ۳۵۰.

۳. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ۱۴۳۲ق، صص ۱۰ و ۱۴.

۴. همان، صص ۳۳-۳۴ و ۱۶۶؛ کمّانی، ۱۳۹۸، صص ۸۴-۹۱.

۵. همان، صص ۳۹-۴۰.

با توجه به موضوع این پژوهش، مقصود از تأویل، عمدتاً کاربرد دوم آن است؛ یعنی تأویل به مثابه کشف لایه‌های طولی معنا و تبیین معیارهای ارزیابی روایاتی که این بطون و امتدادهای معنایی را بیان می‌کنند. بر همین اساس، مباحث بعدی مقاله بر تحلیل معیارهای آیت‌الله معرفت در ارزیابی روایات تأویلی قرآن متمرکز خواهد بود.

## ۲. تفاوت تأویل با تفسیر

### تفاوت تأویل با جمع عرفی و تخصیص در اندیشه آیت‌الله محمدهادی معرفت

آیت‌الله معرفت با بررسی سیر تاریخی کاربرد دو اصطلاح تفسیر و تأویل معتقد است که در میان مفسران نخستین، این دو واژه غالباً مترادف و به جای یکدیگر استعمال می‌شدند؛ اما به تدریج در ادبیات علوم قرآنی، میان آن دو تمایز اصطلاحی پدید آمد.<sup>۱</sup> از دیدگاه وی، تفسیر ناظر به کشف معنای ظاهری الفاظ و تبیین مراد استعمالی (رفع ابهام از کلمه) است، در حالی که تأویل از سطح ظهور لفظ فراتر رفته و به توجیه چیزی می‌پردازد که موجب شک و تردید شده است یا معنای ثانویه‌ای است که ظاهر آیه بر آن دلالت نمی‌کند.<sup>۲</sup>

بر این اساس، هرگاه ظاهر آیه یا روایت با محکمت قرآن، دلیل قطعی عقلی یا اصول مسلم دینی ناسازگار باشد، تفسیر ظاهری برای کشف مراد نهایی کفایت نمی‌کند و تأویل، به‌عنوان روشی ضابطه‌مند برای رفع تشابه (توجیه لفظ یا عمل متشابه به گونه‌ای که مورد پذیرش عقل و نقل باشد) مطرح می‌شود.<sup>۳</sup> در این کاربرد، تأویل جایگزین تفسیر نیست، بلکه مرحله‌ای فراتر از آن است که برای دفع اشکال و شبهه از صورت آیه امکان‌پذیر خواهد بود.

از سوی دیگر، آیت‌الله معرفت در نظریه ظاهر و بطن معنای دیگری برای تأویل بیان می‌کند. بر پایه این نظریه، تفسیر وظیفه تبیین معنای ظاهری و اولیه تنزیل آیات را بر عهده دارد که به موقعیت زمانی نزول محدود

۱. فاتحی و غفاری، بررسی تطبیقی چیستی تأویل از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله معرفت، ص ۱۵۲

۲. معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۸.

۳. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۴-۱۳؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۸

است؛ اما تأویل به کشف بطون می‌پردازد؛ یعنی کلیتی ثابت و همیشگی که مکلفان را در همه روزگاران در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

این مراتب در امتداد ظهور قرار دارند، نه در تعارض با آن؛ به بیان دیگر، بین معنای ظاهری و باطنی یک تناسب و ارتباط نزدیک (مانند تناسب عام و خاص) برقرار است. بنابراین، معنای تأویلی موجب نفی معنای ظاهری نمی‌شود، بلکه زمینه جریان مفاهیم قرآنی در مصادیق مشابه را فراهم می‌آورد.

بر این اساس، تفاوت تفسیر و تأویل در اندیشه آیت‌الله معرفت، تفاوتی در سطح دلالت و قلمرو کارکرد است. تفسیر در پی کشف معنای ظاهری و مدلول استعمالی نص است، در حالی که تأویل یا برای رفع تعارض ظواهر با محکّمات (تأویل مشابه) به کار می‌رود، یا برای کشف بطون. از این رو، تأویل در منظومه فکری آیت‌الله معرفت همواره بر پایه ضوابط علمی استوار است و هیچ‌گاه به معنای تفسیر به رأی نیست؛ زیرا نیازمند رعایت تناسب بین ظاهر و باطن و استفاده از قانون سبر و تقسیم است.<sup>۲</sup>

### ۳. تفاوت تأویل با جمع عرفی و تخصیص در اندیشه آیت‌الله محمدهادی معرفت

میان قواعد متعارف فهم الفاظ، مانند جمع عرفی و تخصیص، با تأویل تفاوتی اساسی وجود دارد. جمع عرفی و تخصیص هر دو در قلمرو دلالت لفظی دلالت‌های مطابقی و تضمینی عمل می‌کنند و هدف آنها رفع تعارض ظاهری میان ادله، بدون عدول از ظهور اولیه الفاظ است. تا زمانی که امکان جمع میان ادله از طریق قواعد عرفی وجود داشته باشد، نوبت به تأویل نمی‌رسد. در همین زمینه برای فهم دقیق مدلول استعمالی و تمایز آن از مراد جدی، و همچنین شناخت قواعد جمع عرفی و تخصیص، تکیه بر مبانی علم اصول فقه ضروری است؛ قواعدی که در منابع بنیادین اصولی به دقت صورت‌بندی شده‌اند.<sup>۳</sup>

اما هرگاه پس از اعمال قواعد عرفی، ظاهر نص همچنان با محکّمات قرآن، سنت قطعی یا حکم یقینی عقل ناسازگار باشد، تأویل به‌عنوان روشی ضابطه‌مند مطرح می‌گردد. از نگاه آیت‌الله معرفت، تأویل نفی ظهور نیست، بلکه انتقال از ظهور ابتدایی به دلالت سیاقی و مدلول التزامی غیر بین است که لفظ مستقیماً آن را بیان نمی‌کند.

بر این اساس، تفاوت بنیادین تأویل با جمع عرفی و تخصیص در آن است که دو روش اخیر در چارچوب قواعد زبانی باقی می‌مانند، در حالی که تأویل تنها در مواردی موجه است که قرائن قطعی عقلی کشف معنایی

<sup>۱</sup>. معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۸-۳۱؛ التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۳۶-۳۷.

<sup>۲</sup>. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۳۹-۴۰.

<sup>۳</sup>. مظفر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۱؛ صدر، ۱۳۹۰ق، ص ۳۵۰.

فراتر از ظهور اولیه را اقتضا کنند؛ از این رو، تأویل در منظومه فکری آیت‌الله معرفت، مرحله‌ای است که از طریق «قانون سبر و تقسیم» در منطق به دست می‌آید؛ یعنی برای دستیابی به علت حکم و لبّ کلام، ویژگی‌های خاص زمان نزول کنار گذاشته می‌شود تا حکم عام و عقل‌پسند استخراج گردد.<sup>۱</sup>

## ب. مبانی روش ارزیابی روایات تأویلی نزد آیت‌الله معرفت

روش ارزیابی روایات تأویلی در اندیشه آیت‌الله محمدهادی معرفت، بر مجموعه‌ای از مبانی معرفت‌شناختی، دلالتی و روش‌شناختی استوار است که بدون توجه به آن‌ها، داوری درباره اعتبار یا عدم اعتبار روایات تأویلی امکان‌پذیر نیست. در نگاه وی، تأویل نه عملی ذوقی و مبتنی بر سلیقه مفسر، بلکه فرآیندی اجتهادی است که باید در چارچوب ضوابط معتبر فهم نص انجام گیرد. از این رو، اعتبار هر روایت تأویلی در گرو هماهنگی آن با نظام معرفتی قرآن، سنت قطعی، عقل برهانی و قواعد محاوره عرفی است و هیچ روایتی صرف انتساب به معصوم (ع) از ارزیابی علمی بی‌نیاز نیست.<sup>۲</sup>

بررسی آثار آیت‌الله معرفت، به‌ویژه التمهید فی علوم القرآن، التفسیر الاثری الجامع، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب و التأویل فی مختلف المذاهب والآراء نشان می‌دهد که مبانی ارزیابی روایات تأویلی را می‌توان در پنج اصل بنیادین سامان داد: قرآن‌محوری، حجیت سنت قطعی، اعتبار عقل برهانی، توجه به قرائن و سیاق، و جامع‌نگری در شبکه روایات. این مبانی در کنار یکدیگر چارچوبی منسجم برای تشخیص تأویل معتبر از تفسیر به رأی فراهم می‌کنند و از گسترش برداشت‌های ذوقی جلوگیری می‌نمایند.<sup>۳</sup>

در ادامه، مهم‌ترین اصول و مبانی روش‌شناختی ایشان در ارزیابی این نصوص تبیین می‌گردد:

## ۱. محوریت قرآن و محکّمات در ارزیابی روایات تأویلی

اساسی‌ترین مبنای آیت‌الله محمدهادی معرفت در ارزیابی روایات تأویلی، مرجعیت قرآن کریم و به‌ویژه محکّمات آن است. از دیدگاه وی، هیچ روایتی حتی اگر در ظاهر دلالتی تأویلی داشته باشد—نمی‌تواند با نصوص محکم قرآن یا اصول قطعی برگرفته از آن معارض باشد. بر این اساس، قرآن نه تنها منبع تفسیر، بلکه مهم‌ترین معیار سنجش اعتبار روایات تفسیری و تأویلی محسوب می‌شود.<sup>۴</sup> از این رو، هرگونه برداشت تأویلی باید در چارچوب نظام معنایی قرآن شکل گیرد و از تحمیل مفاهیم بیگانه و وارداتی (مستورد) بر آیات پرهیز شود.<sup>۵</sup>

۱. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب والآراء، ص ۳۶-۳۷؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۴۱-۳۹ ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، مباحث تأویل.

۴. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب والآراء، ص ۱۳.

۵. همان، ص ۵۱.



آیت‌الله معرفت با استناد به لزوم عرضه مفاهیم بر ساختار قرآن، بر این باور است که پذیرش یا ردّ روایات، پیش از هر چیز، وابسته به میزان هماهنگی آن‌ها با محکّمات قرآن است. به اعتقاد وی، اگر ظاهر یک روایت یا آیه با اصول مسلم قرآنی ناسازگار باشد و امکان جمع عرفی میان آن‌ها وجود نداشته باشد، باید ظاهر را یا تأویل کرد یا از اعتبار دلّالی آن چشم پوشید.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، محکّمات قرآن نقش معیار داوری را در ارزیابی روایات ایفا می‌کنند، نه صرفاً یکی از قرائن تفسیری.

بر همین اساس، تأویل در اندیشه آیت‌الله معرفت هرگز به معنای رها شدن از قیود متن یا گشودگی نامحدود معنا پیروی از اهلای نفسانی نیست؛ بلکه فرآیندی ضابطه‌مند برای کشف مراد جدی شارع در پرتو محکّمات قرآن است. از این رو، هر تأویل معتبر باید افزون بر برخورداری از پشتوانه روایی یا قرینه معتبر، با ساختار کلی معارف قرآنی نیز هماهنگ باشد؛ زیرا قرآن، به عنوان میزان نهایی فهم متون دینی، حدود و ثغور برداشت‌های تأویلی را تعیین می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۲. جایگاه عقل برهانی در ارزیابی روایات تأویلی

یکی از مهم‌ترین مبانی آیت‌الله محمدحادی معرفت در ارزیابی روایات تأویلی، اعتبار عقل برهانی در فرآیند فهم و نقد نصوص دینی است. از دیدگاه وی، عقل قطعی نه در عرض وحی، بلکه در طول آن قرار دارد و از ابزارهای معتبر برای کشف مراد شارع به شمار می‌آید. از این رو، هرگاه ظاهر یک روایت با حکم قطعی عقل یا بدیهیات یقینی ناسازگار باشد و امکان رفع تعارض از طریق قواعد متعارف دلّالی وجود نداشته باشد، ظاهر روایت نمی‌تواند مراد نهایی شارع تلقی شود و باید با تکیه بر قرائن معتبر، معنای صحیح آن کشف گردد؛ چرا که از منظر ایشان، تأویل به معنای توجیه متن به گونه‌ای است که هم عقل آن را بپذیرد و هم شرع به آن رضایت دهد.<sup>۳</sup>

آیت‌الله معرفت با ردّ دو رویکرد افراطی، یعنی ظاهرگرایی مطلق (مانند سلفیه) و عقل‌گرایی رها از نص، بر تعامل عقل و وحی تأکید می‌کند. در همین زمینه رویکرد تعاملی میان عقل و نقل در اعتبارسنجی روایات، همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است و در پژوهش‌های معاصر نیز نسبت عقل و نقل در اندیشه مفسران مختلف به تفصیل تحلیل شده است.<sup>۴</sup> به اعتقاد وی، عقل برهانی هرگز مجاز به تحمیل معنا بر متن نیست، اما می‌تواند در تشخیص محال بودن برخی ظواهر و هدایت مفسر به سوی مراد واقعی شارع نقش‌آفرین

۱. همان، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۴۲ و ۵۲.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. خراسانی و پارسانی، ۱۳۹۶، صص. ۵-۳۵.

باشد. بدین ترتیب، تأویل تنها زمانی مشروع است که بر پایه دلیل عقلی یقینی و همراه با شواهد معتبر قرآنی یا روایی صورت گیرد؛ نه بر اساس ذوق، استحسان یا گرایش‌های کلامی.<sup>۱</sup>

این مبنا در ارزیابی روایات تأویلی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بسیاری از این روایات در حوزه صفات الهی، قضا و قدر، جبر و اختیار یا دیگر مباحث اعتقادی وارد شده‌اند. آیت‌الله معرفت معتقد است پذیرش ظاهری این دسته از روایات، در صورت تعارض با محکمت عقلی، به تشبیه، تجسیم یا نسبت دادن امور محال به خداوند می‌انجامد.<sup>۲</sup> از این رو، وظیفه مفسر و فقیه‌الحديث آن است که با بهره‌گیری از عقل برهانی، معنایی را برگزیند که ضمن حفظ دلالت متن، با اصول قطعی دین نیز هماهنگ باشد.

بر این اساس، عقل در منظومه فکری آیت‌الله معرفت صرفاً ابزاری کمکی برای فهم حدیث نیست، بلکه یکی از معیارهای بنیادین ارزیابی روایات تأویلی به شمار می‌رود. البته این نقش در چارچوب عقل برهانی و یقینی محدود می‌شود و شامل گمان‌ها، ذوقیات یا استحسان‌های شخصی نیست. از این رو، تأویل معتبر تنها زمانی شکل می‌گیرد که میان محکمت قرآن، سنت معتبر، عقل قطعی و قرائن قابل اعتماد هماهنگی برقرار باشد و نتیجه آن کشف مراد جدی شارع باشد، نه تولید معنایی جدید.<sup>۳</sup>

### ۳. نقش سنت قطعی و روایات معتبر در ارزیابی روایات تأویلی

از دیدگاه آیت‌الله محمدهادی معرفت، ارزیابی روایات تأویلی تنها با عرضه آن‌ها بر قرآن کامل نمی‌شود، بلکه سنت قطعی معصومان (ع) نیز یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش اعتبار این دسته از روایات است. وی بر این باور است که روایات اهل بیت (ع) به دلیل جایگاه تبیینی آنان نسبت به قرآن، نقش اساسی در کشف مراد الهی دارند؛ از این رو، روایتی که از نظر سند یا دلالت با سنت قطعی معارض باشد، نمی‌تواند مبنای تأویل آیات قرآن قرار گیرد.<sup>۴</sup>

آیت‌الله معرفت میان اصل حجیت سنت و اعتبار تک‌تک روایات تفکیک قائل است. به اعتقاد وی، هر روایت منقول، صرف انتساب به منابع حدیثی، حجیت نمی‌یابد؛ بلکه باید از جهت سند، دلالت و هماهنگی با قرآن و دیگر روایات معتبر مورد ارزیابی قرار گیرد. بر همین اساس، وی در التفسیر الأثری الجامع، پیش از استناد به

۱. همان، ص ۱۰۱-۱۰۰.

۲. همان، ص ۱۵۰.

۳. همان، ص ۵۳-۵۲.

۴. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، صص ۱۴، ۱۰۳.

روایات تفسیری، به بررسی سندی و محتوایی آن‌ها پرداخته و از پذیرش روایات ضعیف، مضطرب یا متأثر از اسرائیلیات و تأویلات باطل غلات خودداری کرده است.<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین معیارهای دلالتی در اندیشه آیت‌الله معرفت، عرضه روایت بر روایات معتبر دیگر است. اگر روایتی تأویلی با مجموعه روایات صحیح و قطعی معارض باشد و امکان جمع عرفی میان آن‌ها وجود نداشته باشد، آن روایت از اعتبار دلالتی ساقط خواهد بود یا باید بر معنایی حمل شود که با سنت معتبر سازگار باشد. بدین ترتیب، سنت، افزون بر نقش تبیینی، کارکردی کنترلی نیز در فرآیند تأویل ایفا می‌کند و از ورود برداشت‌های بی‌ضابطه به عرصه تفسیر قرآن جلوگیری می‌نماید.<sup>۲</sup>

بر این اساس، در منظومه فکری آیت‌الله معرفت، تأویل معتبر تنها هنگامی پذیرفتنی است که میان قرآن، سنت معتبر و عقل برهانی هماهنگی برقرار باشد. از این رو، سنت نه در تقابل با قرآن، بلکه در امتداد آن و به‌عنوان مفسر و مبیین وحی عمل می‌کند و روایات تأویلی نیز تنها در چارچوب این منظومه منسجم، قابلیت استناد و اعتبار خواهند داشت.<sup>۳</sup>

### ج. معیارهای ارزیابی روایات تأویلی قرآن نزد آیت‌الله معرفت

انتقال از ساحت مبانی نظری به ساحت سنجش عملی، نیازمند ابزارهایی سنجش‌پذیر و عینی به نام «معیار» است. آیت‌الله معرفت در مواجهه با احادیث تفسیری و تأویلی، مجموعه‌ای از موازین درون‌متنی و برون‌متنی را به کار می‌گیرد تا سره را از ناسره متمایز سازد. این معیارها در واقع شاخص‌های اجرایی مفسر در فرآیند نقد محتوایی حدیث به شمار می‌روند که در ادامه به تبیین مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.<sup>۴</sup>

#### ۱. عرضه روایت بر محکمت قرآن در منظومه فکری آیت‌الله معرفت

نخستین و بنیادی‌ترین معیار ارزیابی روایات تأویلی، عرضه آنها بر محکمت قرآن است. از نظر وی، قرآن معیار نهایی سنجش همه معارف دینی است و هیچ روایتی حتی اگر از نظر سندی معتبر باشد در صورت تعارض با محکمت قرآن، قابلیت استناد نخواهد داشت.<sup>۵</sup> از این رو، روایات تأویلی باید در چارچوب نظام معنایی قرآن فهم شوند و هرگاه ظاهر روایتی با محکمت ناسازگار باشد، در صورت امکان باید بر اساس قرائن معتبر تأویل گردد و

۱. همان، ص ۶۲. همچنین ر.ک: التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، مقدمه

۲. همان، ص ۶۲.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۱۵۴-۱۵۳.

۵. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۳.

در غیر این صورت از حجیت ساقط است. این مبنا، ریشه در اصل «عرض حدیث بر قرآن» دارد که آیت‌الله معرفت آن را مهم‌ترین ضابطه پالایش روایات تفسیری می‌داند.<sup>۱</sup>

## ۲. ارزیابی بر اساس سنت قطعی معصومان(ع)

دومین معیار، سنجش روایت با سنت قطعی پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) است. آیت‌الله معرفت با استناد به حدیث ثقلین، سنت معصومان را مفسر و مبین قرآن دانسته و معتقد است روایات تأویلی باید با مجموعه روایات معتبر و قطعی اهل‌بیت(ع) هماهنگ باشند.<sup>۲</sup> بنابراین، روایتی که با سنت قطعی معارض باشد، هرچند از جهت سند ضعف آشکاری نداشته باشد، فاقد اعتبار خواهد بود. وی بر این اساس، اعتبار روایات را در پرتو هماهنگی آنها با میراث قطعی حدیثی ارزیابی می‌کند، نه صرفاً بر پایه وثاقت سند.<sup>۳</sup>

## ۳. ارزیابی بر اساس عقل برهانی از دیدگاه آیت‌الله معرفت

عقل برهانی یکی از منابع معتبر در فهم نصوص دینی است و هرگونه تأویل باید با بدیهیات عقلی و برهان قطعی سازگار باشد. مقصود وی از عقل، ذوق شخصی یا گرایش‌های فلسفی نیست، بلکه عقل برهانی هماهنگ با وحی است.<sup>۴</sup> از این رو، هرگاه ظاهر روایت مستلزم محال عقلی یا مخالف اصول قطعی اعتقادی باشد، باید با رعایت ضوابط علمی تأویل گردد؛ زیرا مراد شارع نمی‌تواند با عقل قطعی تعارض داشته باشد.<sup>۵</sup>

## ۴. توجه به قرائن، سیاق و فضای صدور آیت‌الله معرفت

فهم روایات تأویلی را بدون ملاحظه قرائن لفظی، سیاق آیات، شأن نزول و شرایط تاریخی صدور روایت ناقص می‌داند. از نگاه وی، بسیاری از برداشت‌های نادرست از روایات ناشی از جدا کردن آنها از بستر نزول و صدور است. از این رو، در ارزیابی روایات تأویلی باید مجموعه قرائن داخلی و خارجی (قرائن الاحوال) مورد توجه قرار گیرد تا مراد واقعی روایت آشکار شود.<sup>۶</sup>

## ۵. سنجش با واقعیت‌های تاریخی

۱. همان، ص ۴۲-۴۱.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. حکیمزاده و معارف، ۱۳۹۳، صص ۵۷-۵۳.

۴. همان، ص ۵۱. ایشان نسبت به مستحسانات ذوقی هشدار داده و تأکید می‌کنند که عقلانیت باید قابلیت عرضه بر قرآن را داشته باشد.

۵. همان، ص ۱۳؛ و نیز ص ۱۵۰.

۶. همان، ص ۱۶۲. همچنین رک: همان، ص ۳۸.

یکی دیگر از معیارهای مهم در روش آیت‌الله معرفت، عرضه روایات بر شواهد معتبر تاریخی است. وی در نقد بسیاری از روایات تفسیری، به ناسازگاری آنها با واقعیت‌های تاریخی یا گزارش‌های قطعی صدر اسلام استناد کرده و این ناسازگاری را قرینه‌ای بر ضعف روایت یا نادرستی برداشت تأویلی دانسته است. بنابراین، روایت تأویلی هنگامی پذیرفتنی است که با داده‌های معتبر تاریخی و لغوی تعارض نداشته باشد.<sup>۱</sup>

## ۶. تشکیل خانواده حدیث و جمع میان روایات

از مهم‌ترین ویژگی‌های روش آیت‌الله معرفت، پرهیز از داوری بر اساس یک روایت منفرد است. وی معتقد است روایات هم‌موضوع باید در کنار یکدیگر قرار گیرند تا مراد واقعی شارع از مجموع آنها استخراج شود. این شیوه که در فقه‌الحديث از آن با عنوان تشکیل خانواده حدیث یاد می‌شود، مانع برداشت‌های جزئی، ذوقی و شتاب‌زده از روایات تأویلی می‌شود و امکان جمع میان روایات و کشف دلالت نهایی را فراهم می‌آورد.<sup>۳</sup>

## جدول ۱. معیارهای ارزیابی روایات تأویلی قرآن در اندیشه آیت‌الله محمدهادی معرفت

| ردیف | معیار ارزیابی        | مستند اصلی در آثار آیت‌الله معرفت                        | کارکرد روش‌شناختی در ارزیابی روایات تأویلی                                                                      |
|------|----------------------|----------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | عرضه بر محک‌های قرآن | التأویل فی مختلف المذاهب والآراء؛ التمهید فی علوم القرآن | سنجش انطباق یا عدم تعارض روایت با آیات محکم؛ کانال‌سازی نص به سمت تأویل بطنی یا رفع تشابه و سد باب تفسیر به رأی |
| ۲    | عرضه بر سنت قطعی     | التفسیر الأثری الجامع                                    | اعتبارسنجی محتوایی روایت در پرتو سنت مأثور، مسلمات سیره معصومان(ع) و احادیث فوق تواتر                           |
| ۳    | سنجش و ارزیابی عقلی  | التأویل فی مختلف المذاهب والآراء                         | ابزارسنجی متن با عقل برهانی و اصول قطعی اعتقادی جهت خروج از ظواهر                                               |

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۵۵. ایشان تصریح می‌کنند که در تفسیر و تأویل اجتهادی معتبر، هرگز نباید حقایق قطعی تاریخی و لغوی نادیده گرفته شوند: «لم تتجاهل الحقائق التاريخية واللغوية...»؛ علوی‌مهر، یوسفی تازه‌کندی و سازجینی، ۱۳۹۶

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۰۳.

<sup>۳</sup> همان، ص ۶۳. ایشان راه مقابله با روایات مدسوس و جعلی غلات را بررسی شبکه‌ای و جامع روایات مأثور اهل‌بیت می‌دانند تا تأویلات صحیح در مجرای خود قرار گیرند.؛ حکیم‌زاده و معارف، ۱۳۹۳، صص ۴۸-۵۰، ۶۷-۶۴

|   |                    |                                                |                                                                                                        |
|---|--------------------|------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|   |                    |                                                | متشابه (مانند روایات صفات خبریه و جبر)                                                                 |
| ۴ | تحلیل قرائن و سیاق | التمهید فی علوم القرآن؛ التفسیر الأثری الجامع  | کشف دلالت طولی نص در پرتو سیاق آیات متبوع، شأن نزول، اسباب ورود حدیث و قرائن لفظی و حالی               |
| ۵ | ارزیابی تاریخی     | التفسیر الأثری الجامع؛ صیانه القرآن من التحریف | عیارسنجی گزارش‌های تأویلی مأثور، پالایش نصوص از اسرائیلیات و تطبیق داده‌های روایی با شواهد قطعی تاریخی |
| ۶ | تشکیل خانواده حدیث | التفسیر الأثری الجامع                          | فهم نظام‌مند روایت از طریق جمع‌آوری، هم‌نشینی و مقایسه روایات هم‌موضوع جهت کشف مراد جدی و نهایی شارع   |

### روش اجرایی و مدل هفت مرحله‌ای تأویل در فقه‌الحديث آیت‌الله معرفت

در منظومه فکری آیت‌الله محمدهادی معرفت، تأویل نه به معنای عدول سلیقه‌ای از ظاهر نص، بلکه فرآیندی روشمند برای کشف مراد جدی شارع است که پس از تثبیت ظهور ابتدایی و بر پایه قرائن معتبر، محکّمات قرآن و عقل برهانی تحقق می‌یابد. از نظر وی، تأویل تنها زمانی مشروع است که فهم ظاهری نص به‌درستی استقرار یافته و سپس در پرتو ضوابط قطعی، مراد نهایی شارع بازسازی شود؛ ازاین‌رو، تأویل مرحله‌ای پس از تنزیل و تفسیر ظاهری است، نه جایگزین آن.

آیت‌الله معرفت با استناد به روایت مشهور امام باقر (ع): «ظهره تنزیله و بطنه تأویله... یجری کما یجری الشمس و القمر»، معتقد است قرآن و حدیث افزون بر دلالت ظاهری، از ظرفیت جریان معنا و انطباق بر مصادیق مشابه در طول تاریخ برخوردارند. بر این اساس، بطون نص در طول معنای ظاهری قرار دارند، نه در عرض یا تعارض با آن؛ ازاین‌رو تأویل صحیح هرگز به نفی ظهور اولیه نمی‌انجامد، بلکه لایه‌های عمیق‌تر همان معنا را آشکار می‌سازد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۱-۲۸؛ التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۳۶-۳۷.

بررسی آثار آیت‌الله معرفت نشان می‌دهد که وی هرچند الگویی گام‌به‌گام و فرآیندی برای تأویل ارائه نکرده است، اما منطق حاکم بر آثار او بر سه رکن اساسی استوار است: ۱. تثبیت ظهور ابتدایی و دلالت استعمالی نص؛ ۲. ارزیابی ظهور در پرتو قرائن، سیاق، محکمت قرآن و عقل؛ ۳. دستیابی به مراد نهایی شارع در چارچوب ضوابط معتبر فهم دینی.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است که این سه رکن بنیادین، مستقیماً از آثار آیت‌الله معرفت استخراج شده‌اند؛ اما تبدیل این مبانی نظری به یک الگوی اجرایی هفت‌مرحله‌ای، حاصل بازسازی، تفصیل و عملیاتی‌سازی نگارنده در این پژوهش است. از این رو، الگوی پیشنهادی حاضر انتساب مستقیم به آیت‌الله معرفت ندارد، بلکه نوآوری پژوهش در نظام‌مندسازی و توسعه کاربردی مبانی ایشان در قالب یک مدل فرآیندی برای تحلیل و ارزیابی روایات تأویلی است. بر این اساس، ارجاعات ارائه‌شده در گام‌های چهارم تا هفتم، ناظر به مبانی و اصول نظری موجود در آثار آیت‌الله معرفت است که پژوهشگر بر اساس آنها این مراحل را بازسازی کرده است؛ بنابراین، این مراحل به صورت یک الگوی هفت‌گانه با همین ترتیب و ساختار، در آثار ایشان وجود ندارد، بلکه صورت‌بندی و تنظیم آنها حاصل تحلیل و نظام‌مند کردن مبانی پراکنده ایشان در این پژوهش است. این الگوی فرآیندی جهت تبدیل مبانی نظری به روشی کاربردی، شامل هفت مرحله متوالی است که در ادامه به تشریح آنها پرداخته می‌شود:

گام اول: تثبیت متن و احراز اعتبار صدوری نخستین مرحله در فرآیند تأویل، احراز اعتبار صدور روایت و تثبیت متن مورد تحلیل است. از منظر آیت‌الله معرفت، تأویل زمانی معنا می‌یابد که اصل انتساب روایت به معصوم (ع) و سلامت متن آن احراز شده باشد؛ زیرا تأویل فرع بر حجیت نص است و بدون اثبات اعتبار اولیه روایت، ورود به لایه‌های تأویلی فاقد پشتوانه علمی خواهد بود.

بر این اساس، پژوهشگر در نخستین گام باید روایت را از دو جهت سند و ثبوت راویان و اتصال سلسله سند و متن سلامت از تحریف، تصحیف، اضطراب و ادراج بررسی کند. نقد سند و متن، مقدمه ضروری هرگونه فهم تأویلی و سدی در برابر ورود اسرائیلیات و گزارش‌های تفسیری غیرمعتبر است.<sup>۲</sup> افزون بر این، در این مرحله با تعیین دقیق واحد تحلیل روایت منفرد، شبکه روایات یا نسبت روایت با آیات و تشکیل خانواده حدیث، از برداشت‌های جزئی و شتاب‌زده جلوگیری می‌شود.

گام دوم: استخراج ظهور ابتدایی و دلالت عرفی پس از احراز اعتبار صدوری، نخستین گام در فرآیند فهم، استخراج ظهور ابتدایی و دلالت عرفی نص بر اساس قواعد متعارف زبان عربی (لغت، صرف، نحو و بلاغت) است. عبور از ظاهر پیش از تثبیت آن، به تحمیل معنا بر متن و تفسیر به رأی می‌انجامد.

۱. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۴۱-۳۹.

۲. معرفت، التفسیر الأثری الجامع، ج ۱، مقدمه؛ و نیز التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۶۲.

آیت‌الله معرفت میان مدلول استعمالی و مراد جدی تفکیک قائل است. ظهور لفظی، ابتدا مدلول استعمالی را در اختیار مفسر قرار می‌دهد و تنها پس از تثبیت این مرحله است که می‌توان با اتکا به قرائن معتبر، از ظهور ابتدایی عبور کرد و به مراد نهایی شارع دست یافت. از این رو، تأویل نه نفی ظهور، بلکه حرکتی ضابطه‌مند از ظهور تثبیت‌شده به سوی مراد جدی است.<sup>۱</sup>

گام سوم: تحلیل سیاق، شأن صدور و قرائن در این مرحله، مجموعه قرائن پیرامونی و شرایط صدور نص تحلیل می‌شود؛ چراکه دلالت واقعی متن جدا از بستر صدور آن به دست نمی‌آید. سیاق به عنوان مهم‌ترین قرینه متصل، نقش بسزایی در تعیین مراد واقعی متکلم دارد و غفلت از ارتباط جمله‌های پیشین و پسین، مفسر را به خطا می‌اندازد.

همچنین شناخت فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر صدور، مخاطبان روایت و انگیزه بیان حدیث قرائن منفصل، از ابزارهای حیاتی تعیین مراد جدی شارع است.<sup>۲</sup> گام سوم نقش واسطه را میان فهم ظاهری و ورود به عرصه تأویل ایفا می‌کند و مشخص می‌سازد که آیا ظهور ابتدایی بر اصالت خود باقی است یا قرائن قطعی، ضرورت عبور از آن را اقتضا می‌کنند.

گام چهارم: تشخیص نوع تأویل و تعیین کانال معنایی نص پس از تحلیل قرائن، مفسر باید نوع تأویل و کانال معنایی نص را مشخص کند. در اندیشه آیت‌الله معرفت، تأویل بر اساس خاستگاه خود به دو کارکرد متمایز منشعب می‌شود:

۱. تأویل رفع تشابه: هرگاه ظاهر ابتدایی نص با محکومات قرآن، برهان قطعی عقلی یا اصول مسلم اعتقادی ناسازگار باشد، ظاهر بدوی کنار گذاشته شده و معنای هماهنگ با محکومات به عنوان مراد جدی بازسازی می‌شود؛ مانند آیات و روایات موهم تجسیم و تشبیه.<sup>۳</sup>

۲. تأویل بطنی یا جریانی: در این قسم، ظهور ابتدایی نص کاملاً محفوظ و معتبر است، اما نص ظرفیت انطباق بر مصادیق متعدد و استمرار معنا در طول تاریخ را داراست. این معنای باطنی در طول معنای ظاهری قرار دارد، نه در عرض یا تعارض با آن.<sup>۴</sup>

۱. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۴۲ و ۱۵۴-۱۵۳.

۲. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۱۶۲. (ایشان در این موضع با اشاره به اصطلاح اصولی «قرائن الأحوال»، تأکید می‌کنند که شواهد زمانی معاصر با صدور نص و اسباب نزول، شروطی هستند که برای فهم صحیح، باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند). همچنین ر.ک: همان، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۱۴-۱۳.

۴. همان، ص ۳۳.



گام پنجم: بازسازی معنای تأویلی در این گام، کیفیت بازسازی معنا تابع نوع تأویلی است که در مرحله قبل تشخیص داده شده است.

در تأویل رفع تشابه، مفسر با تکیه بر قرائن قطعی، معنایی را برمی‌گزیند که هم با ساختار زبانی نص و هم با اصول مسلم اعتقادی هماهنگ باشد؛ مانند حمل تعبیری چون «ید» و «وجه» بر قدرت و تدبیر الهی.<sup>۱</sup>

در تأویل بطنی (جریانی)، مفسر بدون نفی مدلول ظاهری، مفهوم کلی و فراتاریخی نهفته در نص را استخراج کرده و بر مصادیق مشابه تطبیق می‌دهد تا جاودانگی و پویایی وحی محقق شود.<sup>۲</sup>

گام ششم: کنترل محتوایی تأویل با محکمت پس از بازسازی معنای تأویلی، نتیجه حاصله باید در پرتو معیارهای قطعی معرفت دینی سنجیده شود. معنای تأویلی فرآورده‌ای است که اعتبار آن در گرو هماهنگی با سه معیار کلان است: ۱. عرضه بر محکمت قرآن: به عنوان معیار نهایی فهم، به طوری که تأویل نباید مستلزم نفی اصول قرآنی مانند توحید یا عدل باشد. ۲. هماهنگی با سنت قطعی: ارزیابی هماهنگی معنا با مجموعه روایات معتبر و مقاصد کلان شریعت. ۳. سنجش با عقل برهانی: رد هرگونه معنایی که مستلزم تناقض عقلی یا محال ذاتی باشد.<sup>۳</sup>

گام هفتم: اعتبارسنجی روش تأویل و پیشگیری از تفسیر به رأی آخرین مرحله، ارزیابی صحت فرآیند و روشی است که مفسر از طریق آن به معنای تأویلی دست یافته است. تفاوت این گام با گام ششم در آن است که گام ششم محتوا را کنترل می‌کند، اما گام هفتم روش تولید معنا را اعتبارسنجی می‌نماید.<sup>۴</sup>

در این مرحله بررسی می‌شود که آیا مفسر قواعد عمومی فهم دین را رعایت کرده، قرائن مورد استنادش معتبر بوده و از تحمیل پیش‌فرض‌های کلامی، فلسفی یا ذوقی بر نص که مصداق تفسیر به رأی است پرهیز نموده است یا خیر.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۳۹-۴۰.

۳. همان، ص ۱۳، ۱۴ و ۵۱. (آیت‌الله معرفت شروط سه‌گانه پذیرش تأویل را چنین خلاصه می‌کند: عرضه در برابر اکثریت قاطع آیات محکمت (ص ۱۳)، خروج از اجمال به واسطه رجوع به سنت شریفه (ص ۱۴)، و پذیرش عقل سلیم به دور از مستحسنان ذوقی و خارج از عرف لغت عربی (ص ۵۱)).

۴. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۳۹-۴۰.

۵. همان، ص ۵۲، ۱۰۰ و ۱۰۴. (ایشان در صفحه ۵۲ تصریح می‌کنند که تأویل‌کننده حق ندارد متن را تسلیم خواسته‌ها و تمایلات شخصی و ایدئولوژیک خود کند: «التأویل الذی لایخضع النص لأهواء الذات، ومیول المؤول الشخصیة والأیدیولوجیة». همچنین در صفحه ۱۰۰، در تبیین تفسیر به رأی، آن را تحمیل یک عقیده از پیش تعیین‌شده بر متن می‌دانند: «تطبیقها علی ما قصدوه من رأی أو عقیده... فی تحمیلا مذهبهم».)

## جدول تطبیقی مراحل مدل هفت مرحله‌ای تأویل در فقه‌الحديث

مدل حاضر، صورت‌بندی و بازسازی روشمند نگارنده از مباحث پراکنده در آثار آیت‌الله معرفت به ویژه التأویل فی مختلف المذاهب والآراء، التمهید و التفسیر الأثری الجامع است.

| مرحله | عنوان مرحله              | توضیح علمی – کارکردی                                                     | مبنای نظری در اندیشه آیت‌الله معرفت                               |
|-------|--------------------------|--------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|
| ۱     | تثبیت متن و احراز اعتبار | بررسی سند، متن و تعیین واحد تحلیل (روایت منفرد یا شبکه روایات).          | لزوم اعتبارسنجی و نقد نص پیش از ورود به فرآیند فهم.               |
| ۲     | استخراج ظهور ابتدایی     | فهم معنای اولیه و مدلول استعمالی بر اساس قواعد زبان و عرف محاوره.        | اصالت ظهور و تقدم رتبه تفهیم و تفاهم لفظی در فهم نص.              |
| ۳     | تحلیل سیاق و قرائن صدور  | بررسی قرائن متصل (سیاق) و منفصل (شأن صدور و فضای تاریخی).                | نقش حیاتی بستر صدور و قرائن پیرامونی در تعدیل یا تثبیت ظهور.      |
| ۴     | تشخیص نوع تأویل          | تعیین کانال معنایی نص (تأویل رفع تشابه یا تأویل بطنی و جریان).           | تفکیک مبنایی میان تأویل نصوص متشابه و تأویل مبتنی بر جریان معنا.  |
| ۵     | بازسازی معنای تأویلی     | توجیه دلالت در متشابهات؛ استخراج لایه‌های طولی و فراتاریخی در نصوص بطنی. | تأویل به مثابه کشف مراد جدی متکلم یا توسعه مصداقی نص در طول زمان. |
| ۶     | کنترل محتوایی تأویل      | عرضه معنای بازسازی‌شده بر محک‌های قرآن، سنت قطعی و عقل برهانی.           | اصل لزوم هماهنگی فرآورده‌های فهم دینی با معیارهای قطعی شریعت.     |
| ۷     | اعتبارسنجی روش تأویل     | سنجش فرآیند استنباط، اعتبار قرائن و اطمینان از عدم تحمیل پیش‌فرض‌ها.     | ضابطه‌مندی روش‌شناختی تأویل و مرزبندی قطعی آن با تفسیر به رأی.    |

## د. کاربست الگوی هفت مرحله‌ای در تحلیل روایات تأویلی

پس از بازسازی الگوی هفت مرحله‌ای تأویل بر اساس مبانی آیت‌الله معرفت، لازم است کارآمدی این الگو در تحلیل روایات تأویلی آزمون شود. از این رو، در این بخش، روایت شاخص جری و انطباق به عنوان بستر اصلی نظریه بطن، به صورت تفصیلی و گام‌به‌گام بر اساس مدل هفت‌گانه تحلیل می‌شود و سپس برای اثبات جامعیت مدل در حوزه نصوص متشابه، دو نمونه روایی دیگر به صورت مجمل مورد بررسی و تطبیق قرار می‌گیرند. هدف از این تحلیل، نشان دادن قابلیت عملی الگوی پیشنهادی در کشف مراد جدی شارع و تمایز میان تأویل روشمند و تفسیر به رأی است.

## ۱. تحلیل تفصیلی روایت جری و انطباق

بر اساس الگوی هفت مرحله‌ای، آیت‌الله معرفت روایت «الجری و الانطباق (تطبیق)» را از مهم‌ترین مستندات نظریه بطن قرآن و استمرار هدایت الهی در همه اعصار می‌داند و با استناد به آن، تأویل را توسعه طولی معنا، نه جایگزینی معنای ظاهری، معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> فرآیند ارزیابی این روایت بر پایه مدل هفت مرحله‌ای بازسازی شده به شرح زیر است:

گام اول: تثبیت متن و احراز اعتبار صدوری: در نخستین مرحله، روایت از جهت اعتبار صدوری بررسی می‌شود. آیت‌الله معرفت هرچند در این روایت به بررسی رجالی تفصیلی نمی‌پردازد، اما با توجه به تعدد نقل آن در منابع حدیثی شیعه (مانند روایات فضیل بن یسار، حمران بن اعین و...) و هماهنگی کامل مضمون آن با آموزه‌های قرآنی و دیگر روایات قطعی اهل بیت (ع)، آن را از روایات معتبر و قابل اعتماد در تبیین نظریه بطن قرآن می‌شمارد.<sup>۲</sup>

گام دوم: استخراج ظهور ابتدایی و دلالت عرفی: ظهور نخستین روایت آن است که آیات قرآن منحصر در مصادیق عصر نزول نیستند، بلکه قابلیت انطباق بر نمونه‌های مشابه در طول تاریخ را دارند. بنابراین، مدلول استعمالی روایت ناظر به استمرار کارکرد هدایتی قرآن است و ظهور آن با قواعد عرفی زبان عربی کاملاً سازگار است.<sup>۳</sup>

گام سوم: تحلیل سیاق، شأن صدور و قرائن: بر اساس مبانی آیت‌الله معرفت در باب جری و انطباق، فهم روایت ظاهر و بطن باید با توجه به مجموعه قرائن روایی و دیدگاه ایشان درباره استمرار دلالت قرآن انجام گیرد. بر این اساس، می‌توان گفت مفاد روایت ناظر به نفی محدود شدن آیات قرآن به مصادیق و شرایط عصر نزول است، نه

۱. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۳۳ و ۱۶۶.

۲. همان، ص ۳۳-۳۵. (ایشان روایات متعدد در این باب را نقل می‌کنند؛ از جمله روایت امام باقر (ع) که می‌فرمایند: «ولو أن الآية إذا نزلت فی قوم ثم ماتوا ماتت الآية، لما بقى من القرآن شيء... یجری کما تجری الشمس والقمر».)

۳. همان، ص ۳۴.

نفی معنای ظاهری آیات. بنابراین، توسعه دلالت قرآن در طول زمان، به معنای تغییر یا اسقاط مدلول اولیه آیات نیست، بلکه بیانگر استمرار قابلیت انطباق معارف قرآنی بر مصادیق مشابه در دوره‌های مختلف است.<sup>۱</sup>

گام چهارم: تشخیص نوع تأویل و تعیین کانال معنایی نص: در این گام مشخص می‌شود که روایت جری و انطباق دقیقاً در قلمرو تأویل بطنی و جریانی قرار می‌گیرد، نه تأویل رفع تشابه؛ زیرا میان ظهور روایت و محکمت قرآن یا عقل برهانی هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد تا کنار گذاشتن ظاهر ضرورت یابد. در این روایت، ظهور لفظی همچنان معتبر باقی می‌ماند، اما افق گسترده‌تری از معنا آشکار می‌شود که ناظر به استمرار هدایت قرآن در همه اعصار است.<sup>۲</sup>

گام پنجم: بازسازی معنای تأویلی: با تعیین روایت در کانال تأویل بطنی، بازسازی بر اساس توسعه طولی معنا انجام می‌شود. در این مرحله، معنای ظاهری آیات محفوظ است و در طول آن، لایه‌ای عام‌تر و فراتاریخی از معنا کشف می‌شود که قابلیت انطباق بر مصادیق مشابه در دوره‌های مختلف را دارد. این توسعه معنایی به معنای عدول از ظاهر نیست، بلکه استمرار هدایت قرآن در بستر تحولات تاریخی است.<sup>۳</sup>

گام ششم: کنترل محتوایی تأویل با محکمت و عقل: در این مرحله، معنای بازسازی‌شده بر محکمت قرآن، سنت قطعی و عقل برهانی عرضه می‌شود. از آنجا که توسعه طولی معنا نه با ظهور آیات تعارض دارد و نه با اصول قطعی دین، نتیجه تأویل از اعتبار کامل برخوردار است. آیت‌الله معرفت این نوع تأویل را مؤید جاودانگی و پویایی هدایت قرآن می‌داند.<sup>۴</sup>

گام هفتم: اعتبارسنجی روش تأویل و پیشگیری از تفسیر به رأی: در گام نهایی، ارزیابی روش دستیابی به تأویل نشان می‌دهد که انتقال از ظاهر به بطن در این روایت، بر پایه قرائن معتبر، قواعد عقلایی فهم زبان و محکمت قرآن انجام گرفته است. بنابراین، نظریه جری و انطباق روشی منظم برای کشف مراد شارع است، نه مجوزی برای گشودگی بی‌ضابطه معنا یا برداشت‌های ذوقی و تفسیر به رأی.<sup>۵</sup>

## ۲. تحلیل اجمالی و کاربرست تطبیقی الگو

۱. همان، ص ۳۶ و ۱۶۶؛ و نیز التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۵۵-۵۵.

۲. همان، ص ۱۳ و ۳۳. (تمایز صریح ایشان میان «تأویل المتشابه» که برای دفع شبهه و توجیه عقلانی است [ص ۱۳]، با «تأویل به معنای بطن» که برای

تبیین مفهوم عام آیه در طول تاریخ است

۳. معرفت، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، ص ۳۳ و ۳۶.

۴. همان، ص ۱۳ و ۴۰.

۵. همان، ص ۳۹-۴۰.

در نصوص متشابه جهت تبیین کارآمدی الگوی هفت مرحله‌ای در دایره تأویل رفع تشابه، دو نمونه روایی دیگر بر اساس منطق این مدل مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد:

الف) حدیث شقی و سعید: آیت‌الله معرفت در تحلیل احادیثی نظیر «الشقی من شقی فی بطن أمه...» پس از احراز اولیه متن (گام اول) و استخراج ظهور بدوی آن (گام دوم)، برداشت جبری از حدیث را با عرضه بر محک‌های قرآن و روایات قطعی مربوط به اختیار انسان مردود می‌شمارد (گام ششم). وی با توجه به آیاتی که بر مسئولیت انسان دلالت دارند، کانال معنایی روایت را در قلمرو تأویل رفع تشابه تعیین کرده (گام چهارم) و ظهور بدوی روایت را تأویل می‌کند؛ بدین معنا که آن را ناظر به علم پیشین الهی نسبت به سرنوشت انسان بازسازی می‌نماید، نه سلب اختیار از او (گام پنجم).<sup>۱</sup>

ب) روایات صفات خبریه: در روایات مربوط به صفات خبری مانند تعبیری چون استواء، ید و وجه، آیت‌الله معرفت پس از پالایش متن از اسرائیلیات (گام اول)، آن‌ها را در پرتو محک‌های قرآن و اصل تنزیه الهی تحلیل می‌کند. از آنجا که حمل این الفاظ بر معانی جسمانی با آیات محکم توحیدی ناسازگار است، این نصوص در حوزه «تأویل رفع تشابه» قرار می‌گیرند (گام چهارم). بر این اساس، مفسر ظاهر بدوی را عدول داده و تعبیری همچون «استواء بر عرش» را بر سلطه و تدبیر، و «یدالله» را بر قدرت و نعمت الهی حمل و بازسازی می‌کند (گام پنجم).<sup>۲</sup> آیت‌الله معرفت این فرآیند را نمونه‌ای از تأویل روشمند و منطبق با محک‌های قرآن و عقل برهانی می‌داند که فرآیند تولید معنا در آن کاملاً قابل دفاع است (گام ششم و هفتم).<sup>۳</sup>

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازسازی نظریه تأویل در فقه‌الحديث آیت‌الله معرفت و تبیین ضوابط حاکم بر فهم روایات تأویلی نشان داد که تأویل در منظومه فکری ایشان، فرآیندی ضابطه‌مند، روشمند و مبتنی بر هندسه تعاملی عقل، قرآن و سنت است و هرگز به معنای عدول سلیقه‌ای از ظاهر نص یا تفسیر به رأی تلقی نمی‌شود. بررسی مبانی نظری آیت‌الله معرفت آشکار ساخت که تأویل در اندیشه وی دارای دو کارکرد اصلی و متمایز است: نخست، «تأویل رفع تشابه» که در مواجهه با ظواهر ناسازگار با محک‌های قرآن، عقل قطعی و اصول مسلم

۱. همان، ص ۱۰۹-۱۰۸؛ و ص ۱۴-۱۳.

۲. همان، ص ۱۹ تصریح به تأویل «استوی علی العرش» به عرش تدبیر، کنایه از قدرت و استیلا تام؛ و ص ۱۴۱ در تأویل «ید» به قدرت، نعمت و استیلاء.

۳. همان، ص ۱۵۱-۱۵۰.

اعتقادی به کار می‌رود؛ و دوم، تأویل بطنی یا جریانی که ناظر به کشف مراتب طولی معنا و استمرار هدایت قرآن در مصادیق مشابه تاریخی است.

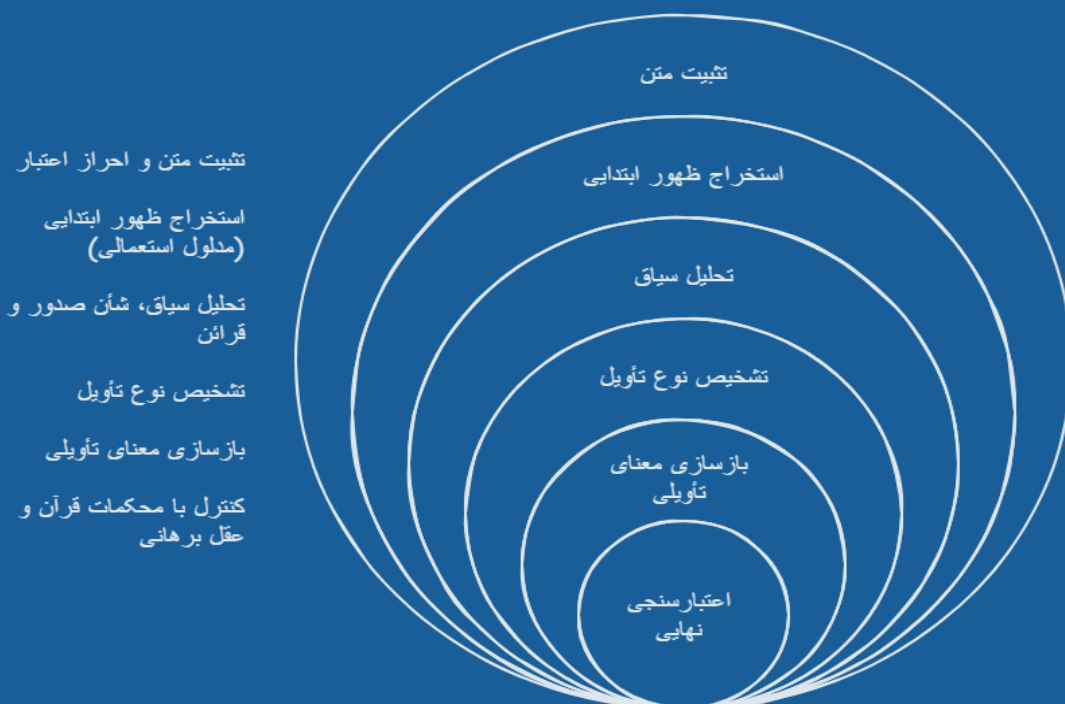
تحلیل آثار آیت‌الله معرفت، به‌ویژه کتاب التأویل فی مختلف المذاهب والآراء، نشان داد که منطق تأویل در اندیشه ایشان بر سه محور بنیادین استوار است: تثبیت ظهور ابتدایی و دلالت استعمالی نص، ارزیابی ظهور در پرتو قرائن و محکّمات، و دستیابی به مراد نهایی شارع در چارچوب ضوابط معتبر فهم دینی. با این حال، از آنجا که آیت‌الله معرفت این مبانی را در قالب الگویی مرحله‌بندی‌شده و فرآیندی صورت‌بندی نکرده است، نوآوری اصلی پژوهش حاضر را می‌توان در بازسازی، نظام‌مندسازی و عملیاتی‌سازی این مبانی نظری در قالب یک الگوی اجرایی هفت‌مرحله‌ای دانست. از این‌رو، هرچند اصول بنیادین الگو مستقیماً از آثار ایشان استخراج شده، اما تفصیل و توسعه آن در قالب هفت مرحله عملیاتی، حاصل استنباط روشمند و ابتکار پژوهشگر در جهت کاربردی‌سازی نظریه تأویل در حوزه فقه‌الحديث است.

الگوی پیشنهادی از مرحله تثبیت متن و احراز اعتبار صدور آغاز شده و با گذر از استخراج ظهور ابتدایی، تحلیل سیاق و قرائن، تشخیص نوع تأویل، بازسازی معنای تأویلی و کنترل محتوایی با محکّمات، در نهایت به اعتبارسنجی روش تأویل و پیشگیری از تفسیر به رأی ختم می‌شود. کاربرست این الگو در تحلیل روایت جری و انطباق، حدیث شقی و سعید و روایات صفات خبریه نشان داد که مدل هفت‌مرحله‌ای ارائه‌شده، از پویایی و کارآمدی بالایی در تفکیک فرآیندی دو کارکرد اصیل تأویل بطنی و رفع تشابه برخوردار است؛ به‌طوری‌که در روایت اول، امتداد طولی معنا در بستر تاریخ، و در دو نمونه بعدی، فرآیند عقلایی و روشمند عبور از ظواهر متشابه به سوی محکّمات عقلی و نقلی را به صورت گام‌به‌گام تبیین می‌کند.

یافته‌های نهایی پژوهش مؤید آن است که تأویل در مکتب تفسیری و حدیثی آیت‌الله معرفت، نه گسست از ظاهر نص، بلکه لایه‌گشایی روشمند از مراد جدی شارع در پرتو اصول قطعی دین است. الگوی فرآیندی این تحقیق می‌تواند به عنوان چارچوبی کارآمد در مطالعات فقه‌الحديثی و ارزیابی روایات تفسیری، جهت نظام‌مندسازی فهم نصوص مشکل و متشابه مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

شکل ۱. مدل فرآیندی و لایه‌ای الگوی هفت‌مرحله‌ای تأویل در فقه‌الحديث بر اساس بازسازی اندیشه آیت‌الله معرفت

## الگوی هفت مرحله‌ای تأویل در فقه‌الحديث



Made with Napkin

این مدل، فرآیند فهم حدیث را به صورت یک ساختار لایه‌ای و متداخل تصویر می‌کند که از هسته مرکزی احراز اعتبار متن آغاز می‌شود و پس از طی گام‌های میانی استخراج ظهور، تحلیل سیاق، تشخیص نوع تأویل و بازسازی معنا، در نهایت به لایه محیطی و کنترلی عرضه بر محکمت و پیشگیری از تفسیر به رأی منتهی می‌گردد. هدف این الگو، هندسی‌سازی فرآیند تأویل و ارائه ضابطه‌ای فرآیندی برای لایه‌گشایی از متن است. بر اساس این بازسازی، تأویل در اندیشه آیت‌الله معرفت نه گسست از ظاهر، بلکه امتداد روشمند و طولی معنا در پرتو قرائن معتبر است؛ بدین معنا که مفسر نخست ظهور لفظی را در لایه‌های اولیه تثبیت می‌کند و سپس در بستر این فرآیند نظام‌مند، به مراد جدی و بطن جاری نص دست می‌یابد.

## فهرست منابع

۱. «روش‌شناسی نقد روایات تفسیری از منظر آیت‌الله معرفت با تکیه بر آیه ۱۱۹ سوره بقره». (۱۴۰۰). آراسپ، هنگامه. تهران: مدرسه علمیه تخصصی عالی کوثر. سومین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی.
۲. ابن‌عاشور، محمد طاهر. (۱۳۸۴ ش/۲۰۰۵ م). التحریر و التتویر. بیروت: دار سحنون.
۳. قم: شناخت‌نامه تفاسیر: نگاهی به سه صد و هشتاد تفسیر برجسته مسلمانان. (۱۳۷۸ ش). ایازی، سید محمد علی. انتشارات کتاب مبین.
۴. بررسی کارآمدی نظریه بطن در تفسیر روایی با تأکید بر آرای «...». (۱۳۹۵). پرهانی، مهدی؛ معرفت، محمد هادی. ۱۰۸-، ۸۵ (۴) پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۲. «آیت‌الله معرفت
۵. اعتبارسنجی روایات بطون قرآن بر پایه دیدگاه آیت‌الله «...». (۱۳۹۷). تجری، محمد علی؛ درویشی، احسان‌الله. فصلنامه حدیث حوزه، سال هشتم، شماره ۱۶، ۳۸-۲۳. «معرفت
۶. تفسیر تسنیم، جلد ۱. قم: مرکز نشر اسراء. (۱۳۸۷ ش). جوادی آملی، عبدالله.
۷. اعتبارسنجی روایات تفسیری از دیدگاه آیت‌الله معرفت با رویکرد «...». (۱۳۹۳). حکیمزاده، فاطمه؛ معارف، مجید. ۷۰-، ۴۵ (۲) فصلنامه کتاب و سنت، ۲. «ارزیابی روایات التفسیر الاثری الجامع
۸. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث بكفایة الأصول. (۱۴۰۹ ق). خراسانی، محمد کاظم.



۹. تحلیل و مقایسه رابطه عقل و نقل از دیدگاه ابن تیمیه و آیت الله «. (۱۳۹۶). خراسانی، ابوالفضل؛ پارسائیا، حمید. حکمت اسراء، شماره ۳۰. «جوادی آملی
- بیروت: دار إحياء التراث العربی. مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). (۱۴۲۰ق). رازی، فخرالدین محمد بن عمر.
۱۰. نجف: المطبعة الحیدریة. الأسس المنطقية للاستقراء. (۱۳۹۰ق/۱۹۷۰م). صدر، محمدباقر.
۱۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه. المیزان فی تفسیر القرآن. (۱۴۱۷ق). طباطبائی، سیدمحمدحسین.
۱۲. مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. بیروت: دار المعرفة. جامع البیان عن تأویل آی القرآن. (۱۴۱۲ق). طبری، محمد بن جریر.
۱۴. تصحیح رضا ستوده. تهران: انتشارات ناصر. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (۱۳۷۲ش). طبرسی، فضل بن حسن.
۱۵. روش آیت الله معرفت در نقد «. (۱۳۹۶). علوی مهر، حسین؛ یوسفی تازه کندی، عباس؛ سازجینی، مرتضی.
- ۶۳-، ۳۵ (۲۸) سراج منیر، ۸. «روایات تحریف نما
۱۶. بررسی تطبیقی چیستی تأویل از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و «. (۱۴۰۱). فاتحی، محمد؛ غفاری، معصومه.
- ۱۵۰-، ۱۲۵ (۲) فصلنامه مطالعات تفسیر تطبیقی، ۷. «آیت الله معرفت
۱۷. «بررسی تطبیقی تأویل از دیدگاه ابن تیمیه و علامه طباطبائی». (۱۳۹۷). فاکرمیبدی، محمد؛ علوی، سیده مرضیه.
- اندیشه های قرآنی متفکران معاصر، شماره ۱۲۷، ۳۳-۵۸.
۱۸. بیروت: دار الکتب العلمیة. الجامع لأحكام القرآن. (۱۴۰۵ق). قرطبی، محمد بن احمد.
۱۹. تحلیل مفهومی روایات تأویلی در پرتو اندیشه های علامه طباطبائی و آیت الله «. (۱۳۹۸). کمانی نجف آبادی، مهدی.
- فصلنامه معرفت، سال بیست و هشتم، شماره ۲۵۷. «معرفت
۲۰. تهران: دارالکتب الإسلامية. الکافی. (۱۴۰۷ق). کلینی، محمد بن یعقوب.
۲۱. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید. صيانة القرآن من التحريف. (۱۳۸۶). معرفت، محمدهادی.
- تهران: مؤسسه فرهنگی و. عرضه بر قرآن؛ راه زودن آسیب های تفسیر روایی. (۱۳۸۷). معرفت، محمدهادی.
- اطلاع رسانی تبیان
۲۳. التفسیر الأثری الجامع، جلد ۱. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید. (۱۳۸۹). معرفت، محمدهادی.
۲۴. قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب. التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء. (۱۳۹۰). معرفت، محمدهادی.
- الإسلامية.
۲۵. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. التمهيد فی علوم القرآن. (۱۴۱۰ق). معرفت، محمدهادی.
۲۶. مشهد: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية. التفسير والمفسرون فی توبة القشيب. (۱۴۱۸ق). معرفت، محمدهادی.
۲۷. نقش و کارآمدی نظریه جری و انطباق در تحلیل روایات «. (۱۳۹۵). معرفت، محمدجواد؛ نصیری، علی.
- ۱۲۲-، ۹۹ (۳) پژوهش های علوم قرآن و حدیث، ۱۳. «تفسیری
۲۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. أصول الفقه. (۱۴۰۶ق). مظفر، محمدرضا.
۲۹. قم: انتشارات وحی و خرد. روش شناسی تفسیر قرآن. (۱۳۹۵). نصیری، علی.
۳۰. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث. وسائل الشيعة. (۱۴۰۹ق). حر عاملی، محمد بن حسن.
۳۱. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. معانی الأخبار. (۱۳۹۳ق). صدوق، محمد بن علی.